

خط شکسته



کوه می‌گوید: «این
منم. بین چه قدر بلندم!»



این چیه؟
یک خط شکسته!
اما...

کلاه می‌گوید: «نه... اشتباه
می‌کنی! این، من هستم.
آمده‌ام جشن تولد!»

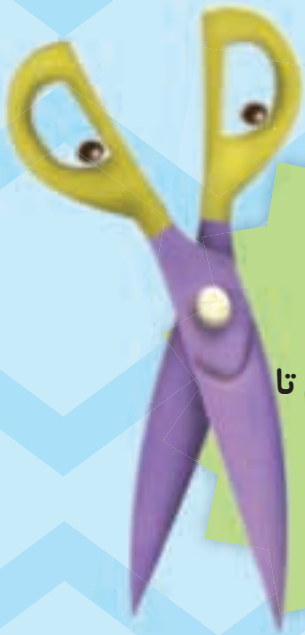


پسر می‌گوید: «این،
عدد ۸ است. من
آن را توی دفترم
نوشتم.»





ساعت می گوید: «نه نه! این
عقربه‌های من است، که ساعت ۵ و
۳۵ دقیقه را نشان می‌دهد.»



قیچی می گوید: «این،
دهان باز من است. آماده‌ام تا
پارچه را ببرم.»

**مامان
می گوید:**
نه خیر این کله قند
است. برای
سفره‌ی عروس
است.»



تو چه می‌گویی؟ چه فکر می‌کنی؟
فکرت را بگو و نقاشی کن.